

رابطه عملکرد خانواده با مشکلات رفتاری نوجوانان دختر و پسر

مرضیه طاهرخانی

کارشناس ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

چکیده

خانواده به عنوان کوچک ترین واحد اجتماعی، اساس تشکیل جامعه و حفظ عواطف انسانی است و هرگونه نارسایی در عملکرد خانواده تأثیرات نامطلوبی در بهنجار نمودن فرزندان ایجاد می کند. رفتار خانواده و رابطه‌ی والدین با رشد رفتاری و روانی نوجوان تطابق دارد. رفتار متضاد پدر و مادر، جدایی والدین از هم، غیبت طولانی مدت یکی از والدین، وجود جو نامساعد در خانواده، پرخاشگر بو دن پدر یا مادر یا هر دو، تبعیض و بی عدالتی در مورد نوجوان، تحقیر وی و احساس ناامنی، دخالت بیش از حد در کار وی و رفتار تهدیدآمیز از علل روانی- اجتماعی در بروز ناسازگاری های نوجوانان است. در این پژوهش جهت گردآوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. که پرسشنامه‌ی فهرست رفتاری آخنباخ CBCL و پرسشنامه جمعیت شناختی محقق ساخته که توسط والدین پر شده مشکلات رفتاری دانش آموزان را مورد سنجش قرار می دهد و پرسشنامه عملکرد خانواده FAD و پرسشنامه دل بستگی هم توسط دانش آموزان پر شده که عملکرد خانواده را مورد سنجش قرار می دهد.

واژه‌های کلیدی: عملکرد خانواده، مشکلات رفتاری، نوجوانان.

مقدمه

هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند مگر آنکه از خانواده‌ی سالم برخوردار باشد. خانواده برآیند یا انعکاسی از کل جامعه است. نقش اصلی و آشکار خانواده، انتقال سینه به سینه ارزشها و میراث فرهنگی و اعتقادی، حفظ روابط خویشاوندی، پرورش و تربیت نسل و تامین نیازهای اساسی انسانی و بالاخره تعادل روانی و عاطفی در افراد است (نوابی نژاد، ۱۳۷۹).

یافته‌های روانشناسی تحولی نشان داده‌اند که در چرخه‌ی تحول روانی آدمی، دوره‌ی مهمی وجود دارد که بین دوره‌ی کودکی دوره‌ی بزرگسالی قرار می‌گیرد، یعنی نوجوانی معرف دوره‌ی تغییر عمیقی است که کودک را از بزرگسال جدا می‌کند. این دوره واقعاً به منزله‌ی دگرگونی شدن است. نوجوان دائماً در تغییر است و حتی خود وی با مشکل بزرگ وضع و موقع خویش رو به رو است. اما اگر چه نوجوانی در وهله اول دگرگونی شدن و تغییر یافتن است ولی در عین حال دوره‌ای شکل‌گیری و مجهز شدن برای مقابله با مسائل زندگی نیز هست. مسائلی که در زندگی روزمره در اجتماع بزرگسالان مطرح است و وی باید در مقابل آنها وضع مشخصی به خود بگیرد. پس مهمترین پدیده‌ی نوجوانی مجهز شدن و متحول شدن شخصیت فرد است که فراهم آوردن شرایط آن تحت اشکال مختلف در اعمال نوجوان جلوه‌گر می‌شود (محمودمنصور، ۱۳۷۸).

تقریباً تمام متخصصین روانشناسی و علوم تربیتی بر این باورند که دوره‌ی نوجوانی حساس‌ترین، بحرانی‌ترین و مهمترین دوره‌ی رشد هر انسان می‌باشد، در این دوره فرد به بلوغ میرسد، در پی کشف هویت خود است، بدنبال استقلال و جدایی از وابستگی‌های دوره‌ی کودکی است، به همین دلیل در این دوره نوجوانان دارای وضعیت با ثباتی نیستند و در این دوره است که معمولاً بیشترین مشکلات برای نوجوانان به وجود می‌آید. در رابطه با مشکلات با همسالان می‌توان گفت که نیاز به پذیرش توسط همسالان در دوره نوجوانی ایجاد میشود که این نیاز در دختران نسبت به پسران شدت بیشتری دارد. نتایج پژوهش‌ها نشان داده‌اند که نوجوانانی که از گروه همسالان بریده‌اند و یا با همسالان خود در تعارض هستند، مشکلات رفتاری دارند به عبارت دیگر میان‌طرشدگی توسط همسالان و مشکلات رفتاری همبستگی بالایی گزارش شده است (سلیمی، ۱۳۷۶).

بیش از چند دهه از پیدایش واژه‌ی ناسازگار در فرهنگ واژه‌های روان‌شناسی نمی‌گذرد و اما ظرف همین مدت کوتاه توجه مسؤولان آموزشی و رفاهی کشورهای سراسر جهان به این گروه از کودکان و نوجوانان معطوف شده است. زیرا رفتارهای ضد اجتماعی برخی از کودکان و نوجوانان دارای چنان عواقب خطیر و اضطراب‌آوری است که گاه بقاء و موجودیت جوامع را مورد مخاطره قرار می‌دهد. جنایاتی که دامنه آنها به علت وسعت روز افزون به ویژه در جوامع پیشرفته دست اندرکاران امور را به اتخاذ تدابیر گوناگون و گاه پرهزینه‌ای وا داشته است اما هنگامی که در برابر این پرسش قرار می‌گیریم که علت پیدایش این پدیده چیست و ناسازگاری یا عدم تعادل عاطفی ین نوجوانان از کجا سرچشمه گرفته است در وهله‌ی نخست همه‌ی نگاه‌ها متوجه خانواده و پس از آن متوجه جامعه می‌شود. رفتارهای نابهنجار و مخالف شخصیت والای انسانی در کشورهای مسلمان از جمله کشور ما در حال رشد و گسترش می‌باشد، لذا بالا بردن سطح آگاهی خانواده‌ها برای پیشگیری از به وجود آمدن چنین رفتارها و اتخاذ راه‌های درمانی از مهمترین وظایف محققان و متخصصان و صاحب نظران می‌باشد. پژوهش حاضر که به این منظور صورت گرفته است. که با توجه جایگاه مهم خانواده در جامعه به عنوان کانون اصلی تربیت فرزندان در جامعه و آگاهی از مشکلات رفتاری نوجوانان شاید بتوان تا حدودی به رفع مشکلات رفتاری که در نوجوانان به وجود می‌آید کمکی کرد.

تقریباً تمام متخصصین روانشناسی و علوم تربیتی بر این باورند که دوره ی نوجوانی حساس ترین، بحرانی ترین و مهمترین دوره ی رشد هر انسان میباشد. در این دوره فرد به بلوغ میرسد، در پی کشف هویت خود است، بدنبال استقلال و جدایی از وابستگی های دوره ی کودکی است، به همین دلیل در این دوره نوجوانان دارای وضعیت با ثباتی نیستند و در این دوره است که معمولاً بیشترین مشکلات برای نوجوانان به وجود میآید. در رابطه با مشکلات با همسالان می توان گفت که نیاز به پذیرش توسط همسالان در دوره نوجوانی ایجاد میشود که این نیاز در دختران نسبت به پسران شدت بیشتری دارد. نتایج پژوهش ها نشان داده اند که نوجوانانی که از گروه همسالان بریده اند و یا با همسالان خود در تعارض هستند، مشکلات رفتاری دارند به عبارت دیگر میان طردشدگی توسط همسالان و مشکلات رفتاری همبستگی بالایی گزارش شده است (سلیمی، ۱۳۷۶). هالینگ و همکارانش در مطالعه ی خود روی نوجوانان آلمانی گزارش نمودند که ۱۱/۹ درصد از نوجوانان به علت مشکلات رفتاری نیاز به خدمات بهداشتی دارند (هالینگ، ۲۰۰۷).

جنایاتی که دامنه آنها به علت وسعت روز افزون به ویژه در جوامع پیشرفته دست اندرکاران امور را به اتخاذ تدابیر گوناگون و گاه پرهزینه ای وا داشته است اما هنگامی که در برابر این پرسش قرار می گیریم که علت پیدایش این پدیده چیست و ناسازگاری یا عدم تعادل عاطفی بین نوجوانان از کجا سرچشمه گرفته است در وهله ی نخست همه ی نگاه ها متوجه خانواده و پس از آن متوجه جامعه می شود. رفتارهای ناپهنگار و مخالف شخصیت والای انسانی در کشورهای مسلمان از جمله کشور ما در حال رشد و گسترش می باشد، لذا بالا بردن سطح آگاهی خانوادگی برای پیشگیری از به وجود آمدن چنین رفتارها و اتخاذ راه های درمانی از مهمترین وظایف محققان و متخصصان و صاحب نظران می باشد. پژوهش حاضر که به این منظور صورت گرفته است. که با توجه جایگاه مهم خانواده در جامعه به عنوان کانون اصلی تربیت فرزندان در جامعه و آگاهی از مشکلات رفتاری نوجوانان شاید بتوان تا حدودی به رفع مشکلات رفتاری که در نوجوانان به وجود می آید کمکی کرد. هدف این مقاله بررسی رابطه بین عملکرد خانواده با مشکلات رفتاری نوجوانان است.

مبانی نظری:

عملکرد خانواده:

از جمله از تعاریفی که می توان از خانواده و عواملی که بر آن حاکم است ارائه داد تعریف چارلز کولی آست که وی خانواده را جزء یکی از بارزترین نمونه گروه های اولیه می داند که همانند سازی در آن انجام می گیرد. در این گروه ها، خصوصیات نظیر وفاداری اعضا به یکدیگر، تماس های مستقیم و رویاروی میان افراد، روابط عاطفی عمیق و دوستانه بین اعضا وجود دارد. زندگی انسان با عضویت در گروه های اولیه (خانواده) آغاز می شود. این گروه ها به طور طبیعی و براساس دل بستگی عاطفی تشکیل می شوند (دکتر عبدالله شفیع آبادی، ۱۳۹۰).

تیپ های خانواده

خانواده را از حیث کیفیت روابط درونی و میزان استحکام آنها می توان به چهار دسته تقسیم نمود که هر یک ویژگیها، کارکردها و تاثیرات خاص خود را داراست.

^۱ - Halyng

^۲ - Charlz kvly

^۳ - چارلز کولی گروه های اجتماعی را به دو نوع اولیه و ثانویه تقسیم می کند گروه اولیه، گروهی است که روابط صمیمی و فزودیک و رویاروی بین اعضای آن حاکم است.

الف) خانواده متلاشی (broken home)

ب). خانواده متزلزل (unbalanced family)

ج). خانواده متعادل (balanced family)

د) خانواده متعالی (transcendental family).

نظریه های موجود در زمینه عملکرد خانواده

تحقیقات و نظریه های موجود در زمینه نظام خانواده به طور گسترده ای متنوع هستند و همین تنوع، شناسایی و تعیین عملکرد خانواده را دشوار می سازد شریفی (۱۳۸۳) بیان میکند که بنا به دیدگاه سیستمی، هرگز نمی توان یک روش رابه عنوان بهترین روش شناخت عملکرد نظام خانواده در نظر گرفت، به این دلیل غالباً ضروری است که ابعاد خانواده ارزیابی شود. به علاوه پیش بینی می شود که نظریه های مربوط به عملکرد خانواده به جای اینکه کاهش پیدا کنند، گسترش یابند که این هم به دلیل پیچیدگی مربوط به شرایط و محیط های خانوادگی است. بنابراین، عاقلانه است که عملکرد خانواده با توجه به دیدگاهها و نظریه های متفاوت مورد توجه قرار گیرد.

مشکل رفتاری:

مشکل رفتاری به رفتار فردی اطلاق میشود که بدون پایین بودن بهره ی هوشی، تعادل روانی و رفتاری از اندازه ی عمومی اجتماع دور و دارای شدت، تکرار و مداومت در زمانها و مکان های متعدد باشد. به طوری که در عملکرد های تحصیلی-رفتاری دچار درماندگی و یا کاهش میزان کارایی فرد گردد این گونه کودکان مرتباً از سوی اطرافیان به طور مستقیم یا غیر مستقیم طرد میشوند (صغری کریمی، ۱۳۶۹). جسور^۴ (۱۹۸۷) استدلال میکند که جذب نوجوان به رفتار مشکل، بر آیند گرایش درونی وی به سوی رفتار های نا بهنجار و گرایش نیرومند به شکستن هنجار های فرهنگی و اجتماعی مورد پذیرش بخش زیادی از جامعه است. نظریه ی رفتار مشکل یک چهارچوب ذهنی منظم، چند متغیری و روان شناختی _ اجتماعی است که ریشه در مفاهیم بنیادی نظریه های ارزش_ انتظار یادگیری راتر و مفهوم بی هنجاری مرتون دارد. فرض اساسی این نظریه آن است که همه رفتار ها بر آیند کنش متقابل فرد و پیرامون است. متغییر های این نظریه در بر دارنده ی گستره ای از متغییر های روانی_ اجتماعی است که در تعامل باهم به تبیین رفتار مشکل می پردازد، متغییر هایی که به طور مستقیم و غیر مستقیم بر رفتار مشکل اثر میگذارند. در این نظریه رفتار مشکل به عنوان رفتاری که از نظر اجتماعی نا پذیرفتنی است شناخته میشود. نظریه ی رفتار مشکل به بررسی اثر کنش متقابل عوامل فردی و اجتماعی در شکل گیری رفتارهای بهنجار و نابهنجار می پردازند. این نظریه فرد را در درون محیط اجتماعی اش مورد بررسی قرار میدهد و به عوامل موثر بر انجام رفتار انحرافی یا بازداری از انجام آن توجه دارد. به طور کلی، این نظریه نشانگر تاثیر پذیری رفتار های پر خطر از عوامل گوناگون فردی و اجتماعی هستند، عواملی که با توجه به تغییرات عصر کنونی، نقش زیادی در افزایش میزان شیوع رفتار های پر خطر در جوامع گوناگون داشته اند. در این نظریه سه نظام موثر بر رفتار مشکل مطرح شده اند که عبارتند از: الف) نظام شخصیتی، ب) نظام محیطی ادراک شده و ج) نظام رفتاری

^۴ - Bold

تئوری های خانواده

تئوری خانواده از نظر علمی از دیدگاههای مختلف نظیر تاثیر متقابل و رشد که جنبه روانشناسی دارد، دیدگاه سیستمی و دیدگاه اجتماعی که جنبه اقتصادی و جامعه شناسی و رفتاری دارد تعریف شده است. در ذیل به طور خلاصه به نقل از حائریان (۱۳۸۴) به بیان آنها خواهیم پرداخت.

دیدگاه تاثیر متقابل

این دیدگاه توسط ویلیام جیمز^۵، چارلز کولی^۶، جان دیوئی^۷ و در سال ۱۹۳۴ توسط جورج هربرت مید^۸ با هم تلفیق شد. این نظریه روی حالتها و رفتار خصوصی افراد خانواده متمرکز شده است. به این دلیل آنرا نظریه روانی-اجتماعی نیز می نامند.

دیدگاه رشد

اصول این تئوری بر مبنای عقاید فروید^۹، اریکسون^{۱۰}، پیازنه و هاویگ هرست^{۱۱} بنا شده است، شامل تکنیک هایی است که تغییرات حاصله در زندگی خانواده گیرا از تولد، رشد، ازدواج، تشکیل خانواده و بالاخره مرگ افراد بررسی می کند. این دیدگاه از تئوری های دیگر نظیر تاثیر متقابل، سیستمها، ساختاری-وظیفه ای و تحلیل روانی تاثیر پذیرفته است.

دیدگاه سیستمها

به اعتقاد راجرز، خانواده یک میدان انرژی غیر قابل کاهش است که خصوصیات منحصر به فرد آن با ویژگی اجزای آن متفاوت بوده و تغییر در آن یک نیروی دائمی است، اومعتقد است خصوصیات یک خانواده را نمی توان تنها با دانستن خصوصیات افراد آن پیش بینی کرد.

دیدگاه اجتماعی

اساس این دیدگاه بر اقتصاد و بررسی های آزمایشگاهی از عکس العمل رفتاری حیوانات است، این دیدگاه به تعامل بین افراد بر اساس مبادله کالانگاه می کند. هرچه رفتار شخص به رفتار گروه و خانواده نزدیکتر باشد تعامل بیشتری خواهد داشت و امکانات مثبت و پاداش بیشتری از اعضاء دریافت خواهد کرد.

دیدگاه ساختاری-وظیفه ای (کارکردگرایی)

در این نظریه انواع ترکیب و ساخت خانواده مطرح می شود و روابط اجزاء و کل سیستم خانواده را در یک زمینه اجتماعی بررسی می کند و بیان می کند که خانواده با ساختار آن شناخته می شود و وظایف خانواده ناشی از ساختار آن است.

^۵- William James

^۶- Charles production

^۷- John Dewey

^۸- George Herbert Mead

^۹- Freud

^{۱۰}-Erickson

^{۱۱}-Piaget & Havyng Hurst

پیشینه ی تحقیق:

تحقیق های مربوطه در خارج: لارسن و مونی (۲۰۰۸) سازگاری نوجوانان و ادراک آنها را از رابطه با والدین و دوستان را مورد بررسی قرار دارند. نتایج نشان داد نوجوانانی که از نظر کیفی رابطه های خوبی با والدین خود تجربه کرده بودند، سازگاری بهتری در مقایسه با نوجوانانی که از نظر کیفی رابطه ی ناچیزی داشتند نشان می دهند (به نقل از محمد حسین ساقی ودکتر علیرضا رجایی، ۱۳۸۷). در مطالعه ای دیگر کینس فوگل و گرینچ^۳ دریافتند که در خانواده هایی که بین والدین تعارض هایی وجود دارد، این تعارض ها می توانند بر روابط نامزدی نوجوانان اثر بگذارند. همچنین، آنان مشاهده نمودند افرادی که شاهد دعوی سخت، در سطح کلامی، لفظی و جسمی بودند در روابط با دیگران به مقدار زیاد چنین رفتار هایی را از خود بروز می دهند (کینس فوگل و گرینچ، ۲۰۰۴). همچنین، مطالعه ایشتاین و همکاران پیرامون عملکرد و کارایی خانواده نشان داده است که کارایی خانواده بیشتر به ویژگی های نظام خانواده، شیوه های سیستمی و الگوهای تبادلی بین اعضاء آن مربوط است و نه به ویژگی های درونی روانی یکایک اعضاء خانواده (ایشتاین^۴ و همکاران، ۱۹۹۳). دسی^۵ و همکاران (۱۹۹۷) معتقد است تعامل و ارتباط اعضاء خانواده با هم، در روند پرورش فرزندان و بهزیستی روانی آنها دخالت دارد و حفظ ارتباط مثبت بین اعضاء منجر به تسهیل روند اجتماعی شدن فرد می شود. ژاکسن^۶ (۱۹۶۸) نیز نحوه اجتماعی کردن خانواده را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که بعضی از خانواده ها برای اجتماعی کردن فرزندان خود آنها را وادار می کنند که از منابع اطلاعاتی بهره برداری کنند، دسته ای دیگر از طریق آموزش کلامی وارد می شوند و عده ای دیگر بر لزوم کسب تجربه تاکید می کنند (سیف، ۱۳۶۸). ارتباط خانوادگی موثر سبب شکل گیری هویت در نوجوانان و توانایی او در برعهده گرفتن نقش می شود ارتباط مستحکم در خانواده از اساسی ترین نموده های خانواده های مقتدر است و این ارتباط به کودکان احساس استواری می دهد یعنی اعتماد به نفس و در نهایت یک قدرت دفاعی در برابر هجوم فشارهای خارجی (ماسن^۷ و دیگران، ۱۳۸۰/۱۹۹۰).

میر مولایی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان بررسی رفتارهای جنسی و عوامل مرتبط با آن در دانش آموزان، بیان نمودند که از عوامل مؤثر بر رفتارهای نوجوانان میزان کنترل والدین، نگرش نوجوان نسبت به خود و فشار همسالان می باشد هر چه کنترل والدین بر دانش آموز بهتر بود و هر چه نظر دانش آموزان نسبت به خود مثبت تر بود میزان انجام نزدیکی جنسی و نیز دیگر رفتارهای پرخطر بهداشتی کمتر می باشد در عین حال هر چه فشار و کنترل والدین بر فرد بیشتر بود انجام نزدیکی جنسی و دیگر رفتارهای پرخطر جنسی بیشتر می شد. گلچین، مهري و همکاران (۱۳۸۰) رابطه عملکرد خانواده با برخی ویژگی های روانی نوجوانان دختر را بررسی کرده و نشان می دهند که بین عملکرد مطلوب خانواده و مسوولیت پذیری و خود پنداره و گرایشات مذهبی فرزندان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

لارسون^۸ و همکاران (۲۰۰۲)، و لامپن-پتراتی^۹ (۱۹۸۹) به این نتیجه رسیدند که نوجوانان کمتر از کودکان دبستانی و بزرگسالان از خلق خوشایند خبر می دهند. اما خلق منفی با تعداد بیشتر رویدادهای زندگی ناگوار، مانند مشکلاتی با والدین،

^{۱۲} Lars & Mooney, 2008

^{۱۳} Guinness & Vogel, Grynych

^{۱۴} Aypshtayn

^{۱۵} Ds

^{۱۶} Zhakbs

^{۱۷} Moss

^{۱۸} Larson

اقدامات انضباطی در مدرسه، و قطع روابط با دوست پسریا دختر ارتباط داشت (لورا برک، جلد ۲، ۱۳۹۲). رابرت و همکاران جامع ترین و نظام دار ترین مطالعه ی مروری انجام داده اند که این مطالعه شامل ۵۲ تحقیق مقدماتی در ارتباط با میزان شیوع اختلالات رفتاری در کشورهای مختلف جهان در ۵۰ سال اخیر بوده است. رابرت و همکاران میزان شیوع را ۱۵/۸ درصد و میانه ی آن را ۱۳/۷ درصد گزارش داده اند. با توجه به آمار و ارقام ارائه شده درباره ی افزایش کودکان ونوجوانان مبتلابه اختلالات رفتاری از یک طرف وطنیان های مادی و معنوی ناشی از اختلال ها و کمبود نیرو های انسانی متخصص از طرف دیگر، ضرورت اقدامات پیشگیرانه بیش از پیش مورد تاکید قرار میگیرد. در این راستا هرگونه اقدامات پیشگیرانه مستلزم ارزیابی نوع و میزان نیاز مردم به آن خدمات و بررسی شیوع مشکل به واسطه ی ابزار های پژوهشی استاندارد است، زیرا در غیر این صورت فعالیت های انجام شده نتایج مطلوبی را در بر نخواهند داشت. با توجه به این که اختلال های رفتاری تمام جنبه های زندگی فردی و اجتماعی کودکان و نوجوانان را تحت تاثیر قرار میدهد هرگونه تلاشی که در راستای شناسایی، تشخیص، پیشگیری، کنترل و درمان صورت گیرد و بهداشت روانی جامعه را ارتقا بخشد، ارزشمند است، نظر به این که کودکان و نوجوانان آسیب پذیر ترین گروه های اجتماعی هستند، بررسی اختلالهای رفتاری دانش آموزان به منظور اجرای مداخلات درمانی و ترمیمی به موقع و پیشگیری زود هنگام از عوارض حاصله از این اختلال ها مثل افت تحصیلی و با توجه به نیازهای تحصیلی و با توجه به نیاز های آموزشی و پرورشی ضروری است و از آنجا که مشکلات رفتاری همه جنبه های زندگی فردی و اجتماعی کودکان و نوجوانان را تحت تاثیر قرار میدهد، توجه به ضرورت و اهمیت برنامه ریزی در جهت ارتقای سلامت روانی دانش آموزان مستلزم شناخت میزان، تنوع مشکلات و عوامل تاثیرگذار به واسطه ی ابزار های روانشناختی معتبر به لحاظ ویژگی های روانسنجی است (به نقل از عسگرآباد، بشارت، فدایی و نجفی، ۱۳۸۸). لامبورن و همکاران (۱۹۹۱) باور دارند نوجوانانی که والدینشان آزادی و استقلال بیش از اندازه اعطاء میکنند و یا هیچ نظارتی بر آنها ندارند، بالاترین میزان مشکلات رفتاری را دارند. بر آورد میزان شیوع اختلالات رفتاری به علت فقدان تعاریف واحد، مشکلات روش شناختی، سیاست های اجتماعی، و عوامل اقتصادی با دشواری هایی همراه است. در گزارش های مختلف شیوع این اختلال در میان جمعیت مدرسه ای بین ۰/۵ تا ۲۰ درصد بوده است (کافمن، ۲۰۰۲). به نقل از باقر غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶). برتون و همکاران (۱۹۹۱) در بررسی گسترده ای با استفاده از ملاک های چهارمین راهنمای آماری و تشخیصی اختلالات روانی، به تحایا میزان شیوع اختلالات هیجانی رفتاری کودکان ۱۲ تا ۱۴ ساله پرداختند. یافته های آنان نشان داد که ۱۵/۸ درصد کودکان مطالعه شده بر اساس فرم کودک، ۱۹/۹ درصد بر اساس فرم والدین، لختلالات هیجانی و رفتاری نشان دادند (به نقل از دکتر باقر غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶)

در پژوهشی که انیسی و همکاران (۱۳۸۶) انجام دادند نتایج نشان داد که در رابطه با مشکلات دختران و وضعیت تحصیلی آنها مشکلات والدینی، تحصیلی و اجتماعی در مقطع تحصیلی دبلم و پیش دانشگاهی بیشتر از دیگر مقاطع تحصیلی است و مشکلات همسالان و شخصی بیشتر در مقطع تحصیلی راهنمایی مشاهده میشود. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که

۱- Lampmn & Praty

۲- Lvrabr

۳- Robert

۴- Lamborn

۵- Kauffman

مشکلات والدینی در مقایسه با سایر مشکلات رفتاری دختران در پایین ترین سطح قرار دارد، به عبارت دیگر بعد از مشکلات با همسالان، شخصی، تحصیلی، اجتماعی، مشکلات والدینی قرار دارد که به نظر می رسد علت اینکه مشکلات والدینی دختران در پایین ترین سطح می باشد، ناشی از وابستگی عاطفی و اقتصادی آنها به والدینشان و همچنین انتظارات جامعه از نقش دخترانه می باشد. به عبارت دیگر دختران در مقایسه با پسران از نظر عاطفی و اقتصادی وابستگی بیشتری به خانواده ه شان دارند که در نتیجه به علت این وابستگی ها کمتر با والدینشان ناسازگاری می کنند، و دیگر اینکه انتظارات جامعه از دختران این است که آنها ناسازگاری کمتری نسبت به والدین از خود نشان دهند این نتایج حاکی است که والدینی که از نظر تحصیلات در سطح پایین تری هستند، فرزندانشان دارای مشکلات بیشتری هستند. بنظر می رسد که افرادی که دارای تحصیلات پایین هستند نقش حمایتی مناسب جهت کمک به فرزندانشان جهت مواجهه با مشکلات ندارند.

در پژوهش هلستلا و همکاران نشان داده شد که در ناسازگاری با گروه همسالان، پسران بیشتر مشکلاتشان را به صورت برونی کردن نشان می دهند و دختران مشکلاتشان را به صورت علائمی بدنی نمایان می سازند. به عبارت دیگر دختران ناسازگاریشان را به صورت درونی کرده و به صورت دردهای جسمی نشان می دهند. البته نقش گروه همسال در بین فرهنگهای مختلف متفاوت است، بطوریکه در برخی جوامع غربی بر رشد فردی تأکید بیشتری میشود که در نتیجه وابستگی و کسب حمایت نوجوانان از همسالان کمتر است. بنابراین مشکلات با همسالان در جوامع مختلف بطور یکسان نمیباشد (هلستا^{۲۴} و همکاران، ۲۰۰۱). کیسیدی و شیور^{۲۵} (۲۰۰۸) در رابطه با نوجوانی عنوان میکنند که نوجوانانی که ارتباط بیشتری با والدین خویش دارند، آسانتر میتوانند نیازها و حالات درونی خویش را با آنها در میان بگذارند و در نتیجه والدین راحت تر میتوانند به نیازهای فرزند نوجوان خویش حساس بمانند. همچنین آنها نشان داده اند نوجوانانی که دارای دلبستگی ناایمن هستند، معمولاً درگیری بیشتری با خاطرات مربوط به به دوران کودکی خود دارند و به نوعی دچار فزون کنشی در حیطه ی رفتارهای دلبستگی هستند، این امر باعث میشود آنها حساسیت بیشتری به نشانه های طرد و عدم حساسیت پیدا کنند و درماندگی بیشتری را نشان دهند، در واقع آنها نشانه های مرضی، به ویژه نشانه های درونسازی را در خود بیشتر گزارش میکنند (به نقل از شهلا پاکدامن، پریسا سادات سید موسوی وسعید قنبری، ۱۳۹۰). بر اساس نتایج پژوهش های پیشین مهمترین و مؤثرترین دوره سنی برای آموزش پیشگیرانه دوره نوجوانی است، و از سویی دیگر آموزش مهارت های زندگی نه فقط نوجوان را در مقابل مشکلات تحصیلی حمایت می کند، بلکه او را برای رویارویی با مشکلات سازگاری با اجتماع و گذر از این دوره حیاتی آماده می کند (ویلنبرن و اسمیت، ۲۰۰۵^{۲۶}؛ بوتین^{۲۷} و همکاران ۲۰۰۶ به نقل از زیورجمالی پا قلعه، سمیه جمالی پا قلعه، مهناز جدیدی فیقان و مرضیه نظری بدیع ۱۳۹۰).

روش تحقیق

روش تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی بوده است. مواقعی وجود دارد که پژوهشگر با دو توزیع سرو کار دارد و علاقه مند است که رابطه ی بین آنها را مورد پژوهش قرار دارد به عبارتی دیگر مواقعی وجود دارد که هدف پژوهش عبارت است از تعیین رابطه یا همبستگی بین دو متغیر (دلاور، ۱۳۸۳). در این پژوهش جهت گردآوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده

^{۲۴} Halestan

^{۲۵} Chassis & Shaver, 2008

^{۲۶} Vylnbrn & Smith 2005

^{۲۷} Britney

است. که پرسشنامه‌ی فهرست رفتاری آخنباخ CBCL و پرسشنامه جمعیت شناختی محقق ساخته که توسط والدین پر شده مشکلات رفتاری دانش آموزان را مورد سنجش قرار می‌دهد و پرسشنامه عملکرد خانواده FAD و پرسشنامه دل‌بستگی شیور هم توسط دانش آموزان پر شده که عملکرد خانواده را مورد سنجش قرار می‌دهد.

یافته‌های تحقیق

فرضیات تحقیق:

فرضیه اول:

بین عملکرد خانواده و مشکلات رفتاری نوجوانان رابطه معناداری وجود دارد.

در این فرضیه چون می‌خواهیم معنادار بودن رابطه دو متغیر عملکرد خانواده و مشکلات رفتاری نوجوانان را بررسی کنیم از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌نماییم.

فرض صفر: بین عملکرد خانواده و مشکلات رفتاری نوجوانان رابطه معنادار وجود ندارد.

فرض مقابل: بین عملکرد خانواده و مشکلات رفتاری نوجوانان رابطه معنادار وجود دارد.

$$\begin{cases} H_0: \rho = 0 \text{ (ارتباط وجود ندارد)} \\ H_1: \rho \neq 0 \text{ (ارتباط وجود دارد)} \end{cases}$$

جدول (۱) رابطه بین عملکرد خانواده و مشکلات رفتاری نوجوانان

| شاخص متغیر | میانگین | انحراف معیار | تعداد | ضریب همبستگی | سطح معناداری |
|------------------------|---------|--------------|-------|-----------------|--------------|
| مشکلات رفتاری نوجوانان | ۳,۴۳ | ۰,۵۴ | ۳۰۰ | -۰,۳۶۷ | ۰,۰۰۱ |
| عملکرد خانواده | 3.52 | 0.38 | | | |

با توجه به جدول (۱) با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون با توجه به مقدار سطح معناداری چون از $\alpha=0,05$ کمتر است می‌توان گفت که فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه معنادار بین عملکرد خانواده و مشکلات رفتاری نوجوانان رد می‌شود و با توجه به مقدار ضریب همبستگی می‌توان گفت شدت این ارتباط در جهت منفی و با مقدار تقریباً ۱۳,۵ درصد می‌باشد یعنی با بهبود عملکرد خانواده میزان مشکلات رفتاری نوجوانان کمتر می‌شود. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که: "بین عملکرد خانواده و مشکلات رفتاری نوجوانان رابطه معنادار در جهت منفی وجود دارد."

فرضیه دوم:

بین دختران و پسران از نظر مشکلات رفتاری تفاوت معناداری وجود دارد.

در این فرضیه چون می‌خواهیم دو گروه را با یکدیگر مقایسه کنیم، که البته این دو گروه مستقل از یکدیگر می‌باشند پس باید از آزمون تی دو جامعه مستقل استفاده کنیم که به قرار زیر است.

فرض صفر: بین دختران و پسران از نظر مشکلات رفتاری تفاوت معنادار وجود ندارد.

فرض مقابل: بین دختران و پسران از نظر مشکلات رفتاری تفاوت معنادار وجود دارد.

$$\begin{cases} H_0: \mu_1 - \mu_2 = 0 \\ H_1: \mu_1 - \mu_2 \neq 0 \end{cases}$$

جدول (۲) تفاوت مشکلات رفتاری در دختران و پسران

| سطح معناداری | آزمون t | درجه آزادی | انحراف معیار | میانگین | تعداد | شاخص |
|--------------|---------|------------|--------------|---------|-------|-------|
| | | | | | | جنسیت |
| ۰,۰۳۵ | -۲,۲۰۰ | ۲۹۸ | ۱,۴۴ | ۳,۵۲ | ۱۵۰ | دختر |
| | | | ۰,۸۰ | ۳,۶۰ | ۱۵۰ | پسر |

با استفاده از آزمون t برای مقایسه دو گروه، چون مقدار به دست آمده در سطح معناداری ۰,۰۳۵ از سطح $\alpha=0/05$ کوچکتر است، نتیجه می گیریم مقدار t به دست آمده (-۲,۲۰۰) از مقدار t جدول بزرگتر است. بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم وجود تفاوت مشکلات رفتاری در نوجوانان دختر و پسر رد می شود و با توجه به مقادیر میانگین ها می توان گفت که مشکلات رفتاری نوجوانان پسر بیشتر از نوجوانان دختر است. و بطور کلی می توان نتیجه گرفت که:

" بین دختران و پسران از نظر مشکلات رفتاری تفاوت معنادار وجود دارد."

فرضیه سوم:

بین عملکرد خانواده و مشکلات رفتاری نوجوانان دختر ارتباط بیشتری نسبت به مشکلات رفتاری نوجوانان پسر وجود دارد. در این فرضیه چون می خواهیم معنادار بودن رابطه دو متغیر عملکرد خانواده و مشکلات رفتاری نوجوانان را بررسی کنیم از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می نماییم.

$$\begin{cases} H_0: \rho = 0 \text{ (ارتباط وجود ندارد)} \\ H_1: \rho \neq 0 \text{ (ارتباط وجود دارد)} \end{cases}$$

جدول (۳) رابطه بین عملکرد خانواده و مشکلات رفتاری نوجوانان

| سطح معناداری | ضریب همبستگی | تعداد | شاخص متغیر |
|--------------|--------------|-------|--|
| ۰,۰۰۰ | -۰,۴۰۲ | ۱۵۰ | عملکرد خانواده و مشکلات رفتاری نوجوانان دختر |
| ۰,۰۰۰ | -۰,۳۱۲ | ۱۵۰ | عملکرد خانواده و مشکلات رفتاری نوجوانان پسر |

با توجه به جدول ۳، همان طور که مشاهده می شود ضریب همبستگی بین عملکرد خانواده و مشکلات رفتاری نوجوانان دختر برابر با $(0.402)^2 = 16.16$ و شدت همبستگی بین عملکرد خانواده و مشکلات رفتاری نوجوانان پسر برابر با $(0.312)^2 = 9.73$ میباشد که با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، می توان نتیجه گرفت که بین عملکرد خانواده و مشکلات رفتاری نوجوانان دختر ارتباط بیشتری نسبت به مشکلات رفتاری نوجوانان پسر وجود دارد. به طور کلی می توان نتیجه گرفت که:

" بین عملکرد خانواده و مشکلات رفتاری نوجوانان دختر ارتباط بیشتری نسبت به مشکلات رفتاری نوجوانان پسر وجود دارد." فرضیه چهارم:

بین عملکرد خانواده و وابستگی نوجوانان دختر ارتباط بیشتری نسبت به وابستگی نوجوانان پسر وجود دارد. در این فرضیه چون می خواهیم معنادار بودن رابطه دو متغیر عملکرد خانواده و وابستگی نوجوانان را بررسی کنیم از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می نماییم.

$$\begin{cases} H_0: \rho = 0 \text{ (ارتباط وجود ندارد)} \\ H_1: \rho \neq 0 \text{ (ارتباط وجود دارد)} \end{cases}$$

جدول (۴) رابطه بین عملکرد خانواده و وابستگی نوجوانان

| شاخص متغیر | تعداد | ضریب همبستگی | سطح معناداری |
|--|-------|--------------|--------------|
| عملکرد خانواده و وابستگی نوجوانان دختر | ۱۵۰ | -۰,۳۱۹ | ۰,۰۰۰ |
| عملکرد خانواده و وابستگی نوجوانان پسر | ۱۵۰ | -۰,۲۲۶ | ۰,۰۰۰ |

با توجه به جدول ۴، همان طور که مشاهده می شود شدت همبستگی بین عملکرد خانواده و وابستگی نوجوانان دختر برابر با $(0.226)^2 = 5.10$ و شدت همبستگی بین عملکرد خانواده و وابستگی نوجوانان پسر برابر با $(0.319)^2 = 10.17$ میباشد که با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، می توان نتیجه گرفت که بین عملکرد خانواده و وابستگی نوجوانان دختر ارتباط بیشتری نسبت به وابستگی نوجوانان پسر وجود دارد. به طور کلی می توان نتیجه گرفت که: " بین عملکرد خانواده و وابستگی نوجوانان دختر ارتباط بیشتری نسبت به وابستگی نوجوانان پسر وجود دارد." فرضیه پنجم:

بین عملکرد خانواده و وابستگی نوجوانان رابطه معناداری وجود دارد.

در این فرضیه چون می خواهیم معنادار بودن رابطه دو متغیر عملکرد خانواده و وابستگی نوجوانان را بررسی کنیم از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می نماییم.

فرض صفر: بین عملکرد خانواده و وابستگی نوجوانان رابطه معنادار وجود ندارد.

فرض مقابل: بین عملکرد خانواده و وابستگی نوجوانان رابطه معنادار وجود دارد.

$$\begin{cases} H_0: \rho = 0 \text{ (ارتباط وجود ندارد)} \\ H_1: \rho \neq 0 \text{ (ارتباط وجود دارد)} \end{cases}$$

جدول (۵) رابطه بین عملکرد خانواده و وابستگی نوجوانان

| شاخص متغیر | میانگین | انحراف معیار | تعداد | ضریب همبستگی | سطح معناداری |
|------------------|---------|--------------|-------|--------------|--------------|
| عملکرد خانواده | 3.52 | 0.38 | ۳۰۰ | -۰,۶۵۸ | ۰,۰۳۰ |
| وابستگی نوجوانان | 3.05 | 0.92 | | | |

با توجه به جدول (۵) با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون با توجه به مقدار سطح معناداری چون از $\alpha=0,05$ کمتر است می توان گفت که فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه معنادار بین عملکرد خانواده و وابستگی نوجوانان رد می شود و با توجه به مقدار ضریب همبستگی می توان گفت شدت این ارتباط در جهت مستقیم و با مقدار تقریباً ۴۳ درصد می باشد یعنی با بهبود عملکرد خانواده میزان وابستگی نوجوانان کمتر می شود. به طور کلی می توان نتیجه گرفت که: "بین عملکرد خانواده و وابستگی نوجوانان رابطه معنادار در جهت منفی وجود دارد."

فرضیه های جانبی:

وابستگی و مشکلات رفتاری در نوجوانان با وضعیت اقتصادی مختلف تفاوت معنادار دارد. هر گاه بخواهیم بیش از دو جامعه را با یکدیگر مقایسه کنیم باید از جدول آنالیز واریانس یا همان Anova استفاده کنیم. برای انجام آزمون فوق وضعیت اقتصادی را در ۳ سطح بررسی می کنیم. فرضیه آزمون به صورت زیر است: فرض صفر: وابستگی و مشکلات رفتاری در نوجوانان با وضعیت اقتصادی مختلف تفاوت معنادار ندارد. فرض مقابل: وابستگی و مشکلات رفتاری در نوجوانان با وضعیت اقتصادی مختلف تفاوت معنادار دارد. جدول (۶) مقایسه میزان وابستگی و مشکلات رفتاری در نوجوانان با وضعیت اقتصادی مختلف با استفاده از آزمون تحلیل

واریانس یکطرفه

| متغیر | منابع تغییرات | مجموع مجذورات | درجه آزادی | میانگین مجذورات | مقدار F | سطح معناداری |
|---------------|---------------|---------------|------------|-----------------|---------|--------------|
| مشکلات رفتاری | بین گروهی | ۰,۰۷۰ | ۲ | ۰,۰۴ | ۰,۰۵۲ | ۰,۰۸۵ |
| | درون گروهی | ۲۲۸,۶۶۹ | ۲۹۷ | ۰,۷۷ | | |
| | کل | ۲۲۸,۷۳۹ | ۲۹۹ | | | |
| وابستگی | بین گروهی | ۰,۳۵۹ | ۲ | ۰,۱۸ | ۰,۱۶۴ | ۰,۱۳۲ |
| | درون گروهی | ۳۲۶,۳۲۵ | ۲۹۷ | ۱,۱۰ | | |
| | کل | ۴۵۹,۲۳۸ | ۲۹۹ | | | |

مرز ناحیه رد از روی جدول F (جدول توزیع فیشر، در جدول تحلیل واریانس مقدار آزمون از توزیع F بدست می آید) تعیین می شود و چون در این فرضیه، فرض مقابل به صورت $\mu_1 \neq \mu_2 \neq \mu_3 \neq \mu_4$ می باشد ناحیه رد فرض صفر که همان ناحیه بحرانی می باشد عبارت است از (جدول $|F| \geq F$). البته با استفاده از مقدار سطح معناداری که به آن P-Valu و sig نیز می گویند می توان ناحیه رد فرض صفر را تعیین کرد که در این فرضیه ناحیه رد به صورت ($\alpha=0,05$ سطح معناداری) می باشد که با توجه به مقادیر جدول فوق نتیجه گیری به این صورت می باشد:

با توجه به جدول فوق با استفاده از آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه وابستگی و مشکلات رفتاری در نوجوانان با وضعیت اقتصادی مختلف، چون مقادیر به دست آمده در سطوح معناداری از سطح $\alpha=0/05$ بزرگتر است نتیجه می‌گیریم مقدار F های به دست آمده از مقدار F جدول فیشر کوچکتر است. بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت بین وابستگی و مشکلات رفتاری در نوجوانان با وضعیت اقتصادی مختلف رد نمی‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که:

"بین وابستگی و مشکلات رفتاری در نوجوانان با وضعیت اقتصادی مختلف تفاوت معنادار ندارد."

-مشکلات رفتاری نوجوانان و تعداد فرزندان و چندمین فرزند بودن رابطه معنادار دارد.

در این فرضیه چون می‌خواهیم معنادار بودن رابطه دو متغیر مشکلات رفتاری نوجوانان و تعداد فرزندان یا مشکلات رفتاری نوجوانان و چندمین فرزند بودن را بررسی کنیم از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌نماییم.

فرض صفر: بین مشکلات رفتاری نوجوانان و تعداد فرزندان و چندمین فرزند بودن رابطه معنادار وجود ندارد.

فرض مقابل: بین مشکلات رفتاری نوجوانان و تعداد فرزندان و چندمین فرزند بودن رابطه معنادار وجود دارد.

$$\begin{cases} H_0: (\rho = 0) \text{ ارتباط وجود ندارد} \\ H_1: (\rho \neq 0) \text{ ارتباط وجود دارد} \end{cases}$$

جدول (۷) رابطه بین مشکلات رفتاری نوجوانان و تعداد فرزندان و چندمین فرزند بودن

| شاخص متغیر | تعداد | ضریب همبستگی | سطح معناداری |
|-----------------------------------|-------|--------------|--------------|
| مشکلات رفتاری و تعداد فرزندان | ۳۰۰ | ۰,۶۵۲ | ۰,۴۱۲ |
| مشکلات رفتاری و چندمین فرزند بودن | ۳۰۰ | -۰,۳۲۸ | ۰,۳۲۱ |

با توجه به جدول (۷) با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون با توجه به مقدار سطح معناداری چون از $\alpha=0,05$ بیشتر است می‌توان گفت که فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه معنادار بین مشکلات رفتاری نوجوانان و تعداد فرزندان خانواده و نیز مشکلات رفتاری نوجوانان و چندمین فرزند خانواده بودن رد نمی‌شود. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که:

"مشکلات رفتاری نوجوانان و تعداد فرزندان و چندمین فرزند بودن رابطه معنادار وجود ندارد."

-وابستگی نوجوانان و تعداد فرزندان و چندمین فرزند بودن رابطه معنادار دارد.

در این فرضیه چون می‌خواهیم معنادار بودن رابطه دو متغیر وابستگی نوجوانان و تعداد فرزندان یا مشکلات رفتاری نوجوانان و چندمین فرزند بودن را بررسی کنیم از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌نماییم.

فرض صفر: بین وابستگی نوجوانان و تعداد فرزندان و چندمین فرزند بودن رابطه معنادار وجود ندارد.

فرض مقابل: بین وابستگی نوجوانان و تعداد فرزندان و چندمین فرزند بودن رابطه معنادار وجود دارد.

$$\begin{cases} H_0: (\rho = 0) \text{ ارتباط وجود ندارد} \\ H_1: (\rho \neq 0) \text{ ارتباط وجود دارد} \end{cases}$$

جدول (۸) رابطه بین وابستگی نوجوانان و تعداد فرزندان و چندمین فرزند بودن

| شاخص متغیر | تعداد | ضریب همبستگی | سطح معناداری |
|------------|-------|--------------|--------------|
|------------|-------|--------------|--------------|

| متغیر | همبستگی | | |
|-----------------------------|---------|-----|-------|
| وابستگی و تعداد فرزندان | ۰,۴۲۱- | ۳۰۰ | ۰,۰۰۴ |
| وابستگی و چندمین فرزند بودن | ۰,۳۲۶ | ۳۰۰ | ۰,۰۰۰ |

با توجه به جدول (۸) با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون با توجه به مقدار سطح معناداری چون از $\alpha=0,05$ کمتر است می توان گفت که فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه معنادار بین وابستگی نوجوانان و تعداد فرزندان خانواده و نیز رابطه معنادار بین وابستگی نوجوانان و چندمین فرزند بودن خانواده رد می شود. و نیز می توان گفت هر چه تعداد فرزندان خانواده بیشتر باشد وابستگی نوجوانان کمتر می شود و نیز وابستگی در فرزندان اول کمتر از فرزندان آخر است. به طور کلی می توان نتیجه گرفت که:

"بین عملکرد خانواده و مشکلات رفتاری نوجوانان رابطه معنادار وجود دارد."

بحث و نتیجه گیری

فرد در یک نظام زنده و سازمان یافته است که پیوسته نسبت به ساختارهای داخلی خود واکنش نشان میدهد (جونز، ۱۹۹۴). از سویی دیگر فرد ابتدا در محیط خانواده به موجودی اجتماعی تبدیل میشود. هر خانواده در مرحله از زندگی، بحران ها، درگیری ها و نیازهای سازگاری ویژه‌ای داشته (کاس-چینو، کاینو، ۱۹۹۶)؛^۲ و جهان بینی، نظام اعتقادی، ارزش ها و چشم داشت های خانوادگی نقش موثری در رفتار و تعامل های میان فردی دارند (فالیک، ۱۹۸۸).^۳ به سخن دیگر، عملکرد خانواده، بایستی به نیاز های گوناگون زیستی، روانی واجتماعی اعضای خود پاسخ دهد.

استی نت و همکاران (۱۹۸۱) و هنسن (۱۹۸۱)^۱ بر این باور هستند که خانواده های با عملکرد درست دارای ویژگی هایی میباشند که آنها را نسبت به خانواده های با عملکرد نا کارآمد قوی ر میکند. روابط زناشویی قوی برای پیشرفت یک خانوادگی سالم ضروری است (کازلو، ۱۹۸۴، السون و همکاران ۱۹۸۹).

گلچین (۱۳۸۱) نقش خانواده را در کاهش یا افزایش پرخاشگری نوجوانان تایید میکند. آرمنتا و هانت^۴ (۲۰۰۹) اعلام نمودند: درک تبعیض شخصی به طور مستقیم و غیر مستقیم با عزت نفس پایین مرتبط است، و این درک تبعیض بر مدل هویت یابی نوجوانان تاثیر دارد (نقل از خوینژاد، رجایی و مهناز، ۱۳۹۱). مینوچین^۵ (۱۹۷۴)، به نقل از ثنایی ذاکر، (۱۳۷۵) معتقد است که سیستمی که بیش از همه بر رفتار فرد تاثیر میگذارد خانواده است. در واقع خانواده نه تنها رفتار سازگار و بهنجار، بلکه رفتار های نابهنجار افراد را شکل میدهد (نقل از دکتر غلامرضا رجبی، حجت الله چهاردولی و دکتر یوسف علی عطاری، ۱۳۸۶).

^۱ Jones

^۲ Kass& Jyvnv, Kainuu, 1996

^۳-Phallic, 1988

^۴Estee notes& Cottages1981

^۵Kazlv, 1982

^۶Elson, 1989

^۷Rmnta& Hunt

^۸Mynvchyn

بخشی پور رودسری (۱۳۸۰) نیز با مطالعه دیدگاه های مختلف شبکه ارتباط انسانی بیان می کند که نخستین و بلاواسطه ترین شبکه ارتباطی که هر یک از انسان ها را فرا گرفته شبکه ی خانوادگی میباشد (عباس بخشی پور رودسری، ۱۳۸۰).

کاپلان و همکاران^{۳۶} (۲۰۰۰) اعتقاد دارند که عامل خانواده یک عامل حیاتی در موفقیت وسازگاری دانشجویان است. نوع ارتباط در خانواده، محبت رد و بدل شده در میان فرزندان و والدین، محیط عاطفی آن و ارزش های والدین به عنوان ابعاد تأثیر گذار بر فرآیند تحولی فرزندان در نظر گرفته شده است (نقل از سیروس اسدیان و موسی پیری، ۱۳۸۹). هاول و دیگران^{۳۷} (۱۹۹۲) عملکرد خانواده را توانایی خانواده در هماهنگی یا تطابق با تغییرات ایجاد شده در طول حیات، حل تعارض ها و تضادها، همبستگی بین اعضا و موفقیت در الگوی انضباطی، رعایت حدو مرز بین افراد، اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد باهدف حفاظت از کل سیستم خانواده تعریف کردند (نقل از اسلامی، ۱۳۸۰).

تعریف کلاسیک ارزست برگس از خانواده، واحدی از افراد در کنش متقابل با یکدیگر است (اعزازی، ۱۳۸۷). مرداک^{۳۸} (۱۹۴۰) نیز در تعریف خانواده می نویسد: خانواده یک گروه اجتماعی است که اعضای آن به وسیله ی دودمان، ازدواج یا فرزند خواندگی با یکدیگر پیوند برقرار می کنند (محمودیان و همکاران، ۱۳۸۳).

خانواده عبارت است که از یک واحد اجتماعی که از ازدواج زن و مرد بوجود می آید و فرزندان آن را کامل می کنند. خانواده در عین حال که کوچک ترین واحد اجتماعی است هسته ی اصلی جامعه و پایه و مبنای هر اجتماع بزرگ است و از مهمترین نهاد های اجتماعی در جامعه انسانی است (شامیانی، ۱۳۷۰). خانواده به عنوان نخستین جایگاه اجتماعی کودک در شکل گیری عادت ها و اندیشه های اجتماعی کودک نقش بسیار مهمی دارد. شیوه های برخورد کودک با گروههایی که در آینده با آنها سروکار خواهد داشت به طور مستقیم به تجارب کسب شده از محیط اجتماعی و خانواده بستگی دارد.

خانواده احساس پیوستگی اجتماعی را در کودک تقویت می کند. منش و شخصیت فرد در کودکی شکل می گیرد کودک به خصوص در جوامع سنتی پدر را سمبل قدرت و مادر را سمبل عواطف می دانند.

خانواده اساسی ترین واحدی است که هر کس به ان تعلق دارد خانواده ملیت گروه قومی و نوع اجتماعی را که ما در آن بزرگ می شویم تعیین می کند خانواده ریشه ها را بوجود می آورد نگرش ها و ارزش ها را تقویت می کند (تامیلسون، ۲۰۰۴ ترجمه بهاری، مهدوی، ۱۳۸۳). روابط متقابل درون خانواده شامل روابط بین مادروپدر، پدروفرزندان، مادروفرزندان و فرزندان با یکدیگر و عملکرد و نوع این روابط نشان دهنده اولین تجربیات عاطفی و اجتماعی است که فرد کسب می نماید و هرچه این روابط سالمتر و صحیح تر باشد. فرد بهتری می تواند در شرایط بحرانی احساسات و هیجانات خود را به نحو مطلوب کنترل نماید و اصول مختلف کنترل مدیریت فردی را کسب نماید (اعزازی به نقل از دلشادی، ۱۳۸۷).

۳۶Kaplan, 2000

۳۷Howell, 1992

۳۸Murdoch, 1940

۳۹Tamyln, 2002

نوجوان خانواده را مامن و تکیه گاه برای خود محسوب می دارد و به آن احتیاج مبرم دارد حال اگر حس کند که خانواده برای او تکیه گاهی مطمئن نیست قادر به ارضاء احتیاجات او نمی باشد حتما دچار مشکلاتی می گردد. جامعه شناس معروف (روزن بام، ۱۹۷۴)

نتیجه ی حاصل از سنجش مشخصات عمومی پاسخگویان:

نتایج تحقیق حاضر بیانگر این است که: از اعضای نمونه ۱۵۰ نفر (۵۰ درصد) پسر و ۱۵۰ نفر (۵۰ درصد) دختر می باشند. ۸۰ نفر (۲۶،۶۷ درصد) از نوجوانان شرکت کننده در پژوهش ۱۰-۶ سال، ۱۲۵ نفر (۴۱،۶۷ درصد) ۱۰-۱۴ سال و ۹۵ نفر (۳۱،۶۶ درصد) ۱۴-۱۸ سال می باشند. تعداد ۱۲۲ نفر (۴۰،۶۷ درصد) از نوجوانان شرکت کننده در پژوهش فرزند اول، ۸۵ نفر (۲۸،۳۳ درصد) فرزند دوم، ۶۶ نفر (۲۲ درصد) فرزند سوم و ۲۷ نفر (۹،۳۱ درصد) فرزند چهارم و بالاتر در خانواده می باشند. وضعیت اقتصادی ۹۳ نفر (۳۱ درصد) از نوجوانان شرکت کننده در پژوهش ضعیف، ۱۶۷ نفر (۵۵،۶۷ درصد) متوسط و ۴۰ نفر (۱۳،۳۳ درصد) نیز خوب می باشد. تعداد فرزندان در ۹۴ نفر (۳۱،۳۳ درصد) از خانواده ها یک، در ۱۱۸ نفر (۳۹،۳۳ درصد) دو، در ۶۲ نفر (۲۰،۶۷ درصد) سه و در ۲۶ نفر (۸،۶۷ درصد) ۴ فرزند و بیشتر می باشد.

نتیجه ی حاصل از سوال تحقیق:

وضعیت عملکرد خانواده، مشکلات رفتاری نوجوانان و دل بستگی نوجوانان چگونه است؟

با استفاده از آزمون t یک نمونه ای و با توجه به مقدار میانگین مشکلات رفتاری نوجوانان نتیجه می گیریم که میزان مشکلات رفتاری نوجوانان بالاتر از متوسط است. با توجه به مقدار میانگین عملکرد خانواده نتیجه می گیریم که عملکرد خانواده بالاتر از متوسط است. با توجه به مقدار میانگین دل بستگی نوجوانان نتیجه می گیریم که میزان دل بستگی نوجوانان بالاتر از متوسط است.

نتیجه ی حاصل از سنجش فرضیات تحقیق:

بین عملکرد خانواده و مشکلات رفتاری نوجوانان رابطه وجود دارد.

با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون نتیجه می گیریم بین عملکرد خانواده و مشکلات رفتاری نوجوانان رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به عبارتی با بهبود عملکرد خانواده، مشکلات رفتاری نوجوانان کمتر می شود و بالعکس. نتیجه این یافته محمد حسین ساقی و علیرضا رجایی، ۱۳۸۷ همسو می باشد. در تبیین این یافته می توان گفت که خانواده ها برای بهبود رفتار نوجوانان خود باید بدانند که نقش خودشان بسیار اساسی است و با یادگیری آموزشهای لازم همواره بهتری عملکرد را داشته باشند تا بهترین نوجوانان را بتوانند تربیت نمایند، جامعه نیز باید شرایط را برای همه افراد فراهم کند تا آموزشهای لازم را ببینند تا بدین ترتیب نوجوانان که نسل آینده توانمند و درست تربیت شوند و آمادگی لازم برای ورود به اجتماع را داشته باشند.

بین عملکرد رفتاری نوجوانان پسر و دختر تفاوت معنادار وجود دارد.

با استفاده از آزمون t دو جامعه مستقل نتیجه می گیریم بین مشکلات رفتاری نوجوانان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارتی مشکلات رفتاری نوجوانان دختر از پسران کمتر است. نتیجه این یافته با نتایج اسماعیل بیابانگر، ۱۳۸۰ همسو می باشد. در تبیین این یافته می توان گفت که والدین باید در تربیت پسران خود دقت بیشتری داشته باشند و بستری

را فراهم نمایند تا پسران با اعتماد و بدون ترس با والدین خود دوست باشند و نیز با حمایت های عاطفی و رفتار درست با نوجوانان آنها را دلبسته خانواده نمایند تا نوجوان از روی ناآگاهی و به دست دوستان ناباب دچار مشکلات در جامعه نشوند. رابطه بین عملکرد خانواده و مشکلات رفتاری دختران بیشتر از رابطه بین عملکرد خانواده و مشکلات رفتاری پسران است. با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون نتیجه گرفتیم که بین عملکرد خانواده و مشکلات رفتاری نوجوانان دختر رابطه بیشتری نسبت به عملکرد خانواده و مشکلات رفتاری نوجوانان پسر وجود دارد. رابطه بین عملکرد خانواده و دل‌بستگی دختران بیشتر از رابطه بین عملکرد خانواده و دل‌بستگی پسران است. با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون نتیجه گرفتیم که بین عملکرد خانواده و دل‌بستگی نوجوانان دختر رابطه بیشتری نسبت به عملکرد خانواده و دل‌بستگی نوجوانان پسر وجود دارد. بین عملکرد خانواده و دل‌بستگی نوجوانان رابطه وجود دارد.

با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون نتیجه می‌گیریم بین عملکرد خانواده و دل‌بستگی نوجوانان رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. به عبارتی با بهبود عملکرد خانواده، دل‌بستگی نوجوانان بیشتر می‌شود و بالعکس. این تحقیق با یافته هلستا^۱ همکاران، (۲۰۰۱). کیسیدی و شیور^۲ (۲۰۰۸) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که نوجوانانی که ارتباط بیشتری با والدین خویش دارند، آسانتر میتوانند نیازها و حالات درونی خویش را با آنها در میان بگذارند و در نتیجه والدین راحت‌تر میتوانند به نیازهای فرزند نوجوان خویش حساس بمانند و به نیازهای آنها واقف باشند و به نوجوانان در مواقع لزوم کمک کنند. خانواده‌ها باید سعی نمایند تا ارتباط خود را با نوجوانان شان بیشتر نمایند و از حالات آنها بیشتر آگاهی پیدا کنند.

پیشنهادهای تحقیق:

به پژوهشگران موضوعات و زمینه‌های زیر جهت تحقیقات بعدی پیشنهاد می‌گردد: با توجه به اینکه در تحقیق حاضر نوجوانان سطح شهر همدان مورد تحقیق قرار گرفته است محققان بعدی چنین بررسی را در سایر دانشگاه‌ها انجام دهند، تا با مقایسه نتایج حاصل از تحقیقات مختلف در این زمینه اطمینان و اعتماد بیشتری در بکارگیری نتایج حاصل گردد.

با توجه به اینکه در این تحقیق فقط دو مورد از موارد رفتاری یعنی مشکلات رفتاری و دل‌بستگی نوجوانان مورد سنجش قرار گرفت پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات آتی سایر ابعاد رفتاری کودکان و نوجوانان نیز مورد سنجش قرار گیرند. پیشنهاد می‌شود همین موضوع با پرسشنامه‌های معتبر دیگری انجام شود و نتایج با نتایج این پژوهش مقایسه گردند. پیشنهاد می‌شود رابطه بین عملکرد خانواده و پیشرفت تحصیلی نوجوانان مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

۱. اسلامی، یدالله (۱۳۸۰). بررسی رابطه ساختار تعاملات درون خانواده با سبک‌های مقابله با فشار روانی و تفاوت‌های جنسیتی در دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی کاشان، تهران: دانشگاه تربیت معلم.

^۱Halestan

^۲Chassis & Shaver, 2008

۲. اعزازی، شهلا (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: روشنگران و مطالعات زنان. تهران: انتشارات پازنگ.
۳. انبسی، جعفر؛ سلیمی، سیدحسین؛ میرزمانی، سیدمحمود؛ رئیسی، فاطمه؛ نیکنام، مژگان (۱۳۸۶). بررسی مشکلات رفتاری نوجوانان. مجله‌ی علوم رفتاری.
۴. بخشی پور؛ رودسری؛ عباسی (۱۳۸۰). خانواده به عنوان یک سیستم تعاملی. پیام مشاور.
۵. بیابانگر، اسماعیل (۱۳۸۰). روانشناسی نوجوانان. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛ ۱۳۸۰.
۶. پرویز سعید سرور؛ احمدی فضل‌الله؛ نیکبخت نصرآبادی، علیرضا (۱۳۸۵). مثلث طلایی خانواده سلامت و نوجوان. مجله‌ی روانشناسی ۳۸، سال دهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۵.
۷. تامیلسون، باربارا (۲۰۰۲). راهنمایی سنجش خانواده، مترجمان فرشاد بهاری، دکتر اسماعیل مهدوی هرسینی ۱۳۸۳. تهران: تزکیه
۸. حائزبان اردکانی، محمود (۱۳۸۴). مدیریت خانه. تهران: دانشگاه الزهرا.
۹. خزاعی، طیبه؛ محمد مهدی؛ خزاعی، معصومه (۱۳۸۲). بررسی شیوع مشکلات رفتاری در کودکان شهید بیرجند.
۱۰. دکتر اسدیان، سیروس؛ دکتر پیری، موسی (۱۳۸۹). بررسی رابطه‌ی عملکرد خانواده و کایت اجتماعی دانشجویان آزاد اسلامی واحد سلماس. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سلماس، گروه علوم تربیتی.
۱۱. دکتر خوی نژاد، غلامرضا؛ دکتر رجایی، علیرضا؛ شیرازی، مهناز (۱۳۹۱). وصلنامه‌ی نوآوری‌های مدیریت آموزشی، سال هشتم، شماره‌ی اول، مسلسل ۲۹.
۱۲. ساجدی، ژیل (۱۳۷۹). سازگاری کودکان شب‌اداری و غیرشب‌اداران در دبستان‌های همدان. مجله‌ی علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان.
۱۳. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). برآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش
۱۴. ساقی، محمدحسین؛ دکتر رجایی، علیرضا (۱۳۸۷). بررسی رابطه‌ی ادراک نوجوانان از عملکرد خانواده با سازگاری آنها.
۱۵. سلیمی ح (۱۳۷۶). بررسی حرمت خود در نوجوانان دارای مشکلات رفتاری. مجله‌ی روانشناختی
۱۶. سیف، سوسن و دیگران (۱۳۸۳). روانشناسی رشد ۱. تهران.
۱۷. شریعتی رودسری، مصطفی (۱۳۸۰). شناخت و درمان اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان. جلد ۱ و ۲. تهران: نشر عابر ۱۳۸۰.
۱۸. شریعتی رودسری، مصطفی (۱۳۸۰). شناخت و درمان اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان. جلد ۱ و ۲. تهران: نشر عابد.
۱۹. عسگرآباد حبیبی، مجتبی؛ بشارت، محمدعلی؛ فدایی، زهرا؛ نجفی، محمود (۱۳۸۸). YSR بررسی ساختار عاملی تأییدی، اعتبار و روایی مقیاس خودگزارشی مشکلات رفتاری نوجوانان ایشنباخ YSR. دوقلوهای همسان و ناهمسان.
۲۰. عسگرآباد حبیبی، مجتبی؛ بشارت، محمدعلی؛ فدایی، زهرا؛ نجفی، محمود (۱۳۸۸). YSR بررسی ساختار عاملی تأییدی، اعتبار و روایی مقیاس خودگزارشی مشکلات رفتاری نوجوانان ایشنباخ YSR. دوقلوهای همسان و ناهمسان.

۲۱. منصور، محمود (۱۳۷۸). روانشناسی ژنتیک. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، مرکز تحقیق و توسعه ی علوم انسانی.
۲۲. میرمولایی، سیدطاهره (۱۳۸۹). بررسی رفتارهای جنسی و عوامل مرتبط با آن در دانش آموزان دختر دبیرستان های دولتی شهر تهران.
۲۳. نادری، عزت الله و سیف نراقی، مریم (۱۳۸۹). روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، تهران، ارسباران.
۲۴. نوایی نژاد، شکوه (۱۳۷۹). مشاوره ازدواج و خانواده درمان کنترل. تهران. انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
25. Biat. M. (dissertation). Associon between adolescents mental health and social adjustment according to place of residency in karaj. Tehran. Alzahta university, 2007.
26. Doceyt. J& Kenny. M. (1997). Adolesment Development, (L, end). Boston, College: Brow & Bench mark.
27. Falicov, C.J. (1988). Cultural perspective in family therapy. Rockville: aspen.
28. George. S. merrison (1990). The world of child evelopment: Concept tc adolesocence, publish: U.S.A.